

حافظه من نخواهم کرد ترک لعل بار و جام می زاهدان معذور دارم که اینم مذهب است

صفحات: ۴۸ - ۲۲

www.hamshahronline.ir

سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریبی، شماره ۱۴

کد پستی: ۱۹۶۶۶-۲۵۹۵۶ - تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۲۴۶

تلفن: ۲۲۰۳۰۰۰، ۲۲۰۳۰۰۱، ۲۲۰۴۰۶۷

پدیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰

چاپ: همشهری

تلفن: ۴۸۰۷۰۰۰

توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروزین

تلفن: ۹۱۲۰۴۱۴۲

چهارم روز



سید مهدي تقي آويني، نويسنده منتقد و مستديار (۲۱ شهریور ۱۳۳۶ - ۱۶ فروردین ۱۳۷۲)

راوی فتح

سید مهدي تقي آويني، به قبول خودش، بچه شاه عبدالمطلب بود. کسی که انقلاب و امام متحولش می کند، لیسانس معماری و بزای روشنفکری اش را کنار می گذارد و می رود جهاد سازندگی تا توی روستاها بیل بزند، اما چون جهاد، فیلمساز می خواهد، می شود فیلمساز. از نقاط محروم، فیلم می گیرد و از جنگ مستند «روایت فتح» را می سازد. بعد درباره فیلم و سینما مطالعه می کند، می نویسد، کتاب ترجمه می کند و مجله «سوره» را منتشر می کند. کسی که می خواهد بداند و در این مسیر گاهی به روشنفکرها نزدیک می شود و گاهی از جایش در میان بچه مسلمان ها تکان نمی خورد. رفا مسخره اش می کردند که «توی حوزه هنری پروسترویکا به راه انداخته» و روشنفکرها هم قبولش نداشتند، اما او فقط به دنبال حقیقت بود. خود آويني درباره جوانی اش می گوید: «تصور نکنيد که من با زندگی به سبک و سیاق موسیقی متناظران به روشنفکری نا آشنا هستم. خیر. من از «یک راه طی شده» با شما حرف می زنم. من هم سال های سال در یکی از دانشکده های هنری درس خوانده ام، به شب های شعر و گالری های نقاشی رفته ام، موسیقی کلاسیک گوش داده ام، ساعت ها از وقتم را با مباحثات پیوسته درباره چیزهایی که نمی دانستم گذرانده ام. من هم سال ها با جلوه فروشی و تظاهر به دانایی بسیار زیسته ام. ریش پرفسوری و سیبل نیچهای گذاشته ام و کتاب «انسان تک ساحتی» هربرت مارکوزه را - بی آنکه آن زمان خوانده باشم - طوری دست گرفتم که دیگران جلد آن را ببینند و پیش خودشان بگویند عجب! فلائی چه کتابهایی می خواند، معلوم است که خیلی می فهمد، اما بعد خوشبختانه زندگی مرا به راهی نشاند که ناچار شدم روبرایستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بی ذم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی شود و حتی از این بالاتر، دانایی نیز با تحصیل فلسفه حاصل نمی آید. باید در جست وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هر کس به راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خویش نیز خواهد یافت... و حالا از یک راه طی شده با شما حرف می زنم.»

روزی روزگاری کافه بلديه

گزارشی از روزهای طلایی کافه بلديه که روزگاری پاتوق تهرانی ها بوده و امروزه جایش را به تئاتر شهر داده است

سمان و آهن بنا کرده و مزارعش از ۱۰۰ هزار تومان بیشتر شده بود. طبق اسناد قدیمی، مهمانخانه و کافه شهرداری جایی برای حضور و بروز موسیقی ایرانی بوده است، به همین منظور ارکستر خود را از موسیقیدان های معروف ایرانی تشکیل داده بود. از مهمانی های رسمی و خصوصی گرفته تا مهمانی های باغی که به نفع بنگاه حمایت مادران برگزار می شد، مکانی که از سال ۱۳۱۹ تا ۱۵ سال بعد در کنار برنامه های شبانه خود، اجرای خیمه شب بازی هم داشت. سال ۱۳۳۵ شهرداری وقت تصمیم می گیرد برای ایجاد هتل مدرن و مجهز برای مسافران خارجی، در محل کافه شهرداری، ساختمانی مدرن با کنجایش ۴۰۰ اتاق بنا کند و به همین دلیل هم کافه را تخلیه کردند، اما کارشان متوقف ماند و در سال ۱۳۳۸، یعنی ۲ سال بعد نخست

بنای کافه را برای تاسیس یک فروشگاه بزرگ در نظر گرفتند و در نهایت به انبار بزرگ سوپرمارکت و دفتر امرداری اختصاص یافت. سرانجام یکم آبان ۱۳۳۵ روزنامه اطلاعات اعلام کرد: «در محل کافه شهرداری سابق یک تئاتر مجهز ساخته خواهد شد.» از سوی دیگر با انحلال کافه شهرداری و ساخت بنای تئاتر شهر، در محل باغ زوپهری ساختمان کافه پارکی ساخته شد که دوم تیر ۱۳۴۵ افتتاح شد و پس از انقلاب «پارک دانشجو» نام گرفت. کلنگ بنای تئاتر شهر امروزی را در سال ۱۳۳۵، مهدی نامدار - پیشکسوت تئاتر - به زمین زد، طراحی آن به علی سردار افخمی - معمار جوان و نوگر - سپرده شد و در نهایت ساخت این عمارت با الهام از برج طغرل روز هفتم بهمن ۱۳۵۱ به پایان رسید.



کافه بلديه در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۱۵ به «کافه شهرداری» تغییر نام پیدا کرد.

فاطمه عباسی

۱۵ شهریور ۱۳۱۱، جایی میان خیابان ولیعصر و انقلاب امروزی در محل فعلی تئاتر شهر تهران، آنجا که ما با نام چهارراه ولیعصر می شناسیم، مکانی ساخته شد برای تفریح و سرگرمی مردم آن سال ها، جایی که اعتبار دولتمردان باشد و شاید مرکز خوشی مردمان تازه نفس کشیده از جنگ و قحطی. کافه بلديه یا کافه شهرداری از ابتدای دوران پهلوی برای ۳ دهه بخش مهمی از خاطرات جمعی مردم شده بود، جایی برای بازی، سیاحت، مکانی برای میتینگ سیاسیون و شنیدن موسیقی متفاوت. آنطور که روزنامه های آن زمان نوشته اند، کافه بلديه عمارتی بود بزرگ که «موسو فرده» آن را با نهایت استحکام با سنگ و

روایت اول شخص

هوشنگ اعلام، پژوهشگر و دانشنامه نویس در یادداشتی درباره کافه بلديه که در ۲۱ شهریور ۱۳۱۵ به «کافه شهرداری» تغییر نام داد گفته: «۵-۴ ساله بودم که برای نخستین بار مرا به کافه شهرداری بردند. سال ۳۱ یا ۳۲ بود. شاید قدیمی های تهران که هم سن و سال من هستند سا بهای از کافه شهرداری به کافه بلديه در ذهنشان مانده باشد و جوان تریایی که حالا در حوالی چلی هستند، احتمالاً اسم آن را شنیده اند. کافه های که ساختمان آن بیشتر شبیه یک کاخ بود تا کافه و فضای بیرونی آن هم شبیه کافه های فرنگ، میز و صندلی های شیک، رومیزی های سفید و تمیز و گارسن های تعلیم دیده که شوبه پر خورند و پذیرایی شان آدم را یاد رستوران های اشرافی اروپایی می انداخت. کافه بلديه شبها نمایش فیلم هم داشت و شعبده بازی و نمایش های دیگر که همه برای گذران ساعتی خوش در فضایی باز و مدرن بود.»



یک روز بهاری در کافه بلديه تهران - ۱۶ فروردین ۱۳۱۴ عکس گروهی از خانم های خانواده اسفندیاری بختیار که برای صرف عصرانه به کافه بلديه، یا همان کافه شهرداری تهران رفته بودند.



تصویر جمعی از زنان در مقابل کافه بلديه تهران در سال ۱۳۱۴. این عکس تصویر خوبی از نوع حجاب زنان در آن دوره را نشان می دهد.



تصویری از بنای تئاتر شهر که در مکان سابق کافه بلديه ساخته شد.

۳ نشانه

ابوالادان، یکی از خادمان امام حسن عسکری (ع) روایت می کند: در روزهای نزدیک به شهادت امام یازدهم نزد ایشان رفتم. حضرت نامه هایی را به من دادند و فرمودند: «اینها را به مدائن بفرست. تو ۱۴ روز حضور نخواهی داشت و روز یازدهم به سامرا بازمی گردی و صدای شیون از خانه من می شنوی و من را در آن هنگام روی مغسل خواهی دید.» پرسیدم: آی آقای من! امر امامت پس از شما کیست؟ فرمودند: «کسی که جواب نامه های مرا از تو بخواهد.» در خواست کردم که راهنمایی ام کنید، امام گفتند: «کسی که بر من نماز گزارد، او فاتم پس از من است. کسی که از درون همین خبر دهد، قائم پس از من است.» نامه ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتیم. روز ۱۷ بعد به سامرا بازگشتم و دیدم که صدای ناله و شیون از خانه امام عسکری (ع) بلند است و بیکر امام را غسل می دهند و جلوی در خانه، جعفر کتاب (برادر امام حسن عسکری (ع)) که به دروغ ادعای امامت کرده بود) استفاده است و مردم به خاطر شهادت امام به او تسلیت و به خاطر جانشینی ایشان به او تهنیت می گویند. در این هنگام کسی به جعفر کتاب خبر داد که برادر شما را کفن کرده اند، بس بیا و بر او نماز بگزار. جعفر داخل خانه رفت و بر بالای بیکر مطهر حضرت ایستاد تا نماز را اقامه کند. هنگامی که می خواست تکبیر بگوید، ناگهان کودکی جلو آمد و ردای او را گرفت و فرمود: «ای عموا عقب بایست: من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم.» آن کودک بر بیکر مطهر امام یازدهم نماز خواند. سپس به من فرمود: «ای بصری، جواب نامه هایی را که نزد توست به من بده.» من جواب نامه ها را به ایشان دادم و منتظر مسئله همین بودم. تا اینکه روزی فردی از شهر قم آمد و سراغ امام عسکری (ع) را گرفت. وقتی از شهادت حضرت باخبر شد، با راهنمایی عده ای نزد جعفر کذاب رفت و گفت: «نزد ما نامه ها و مقداری پول است که از جانب مردم برای امام عسکری (ع) آورده ایم. پس بگو این نامه ها از طرف چه کسانی است و پول جعفر است؟» جعفر که از پاسخگویی عاجز شده بود، خطاب به او گفت آیا از من توقع داری که علم غیب داشته باشم؟ در همین حال خادمی وارد شد و گفت: نزد شما نامه هایی از فلان و فلان هست و مقدار پول هم ۱۰۰۰ دینار است که ۱۰۰ دینار آن آب طلا دارد. پس آن فرد نامه ها و پول را به او داد و گفت: «کسی که تو را فرستاده، جانشین بر حق امام حسن عسکری (ع) است.»

برگرفته از کتاب کمال الدین و تمام النعمه باب ۴۳



Grid for crossword puzzle 1 with numbers 1-15 and a 15x15 grid.

Answer key for crossword puzzle 1, containing words like 'میرا' and 'بسم الله الرحمن الرحيم'.

جدول ۹۲۰۱

سخت

اقتی: ۱- پایان نامه - دانش - ترکیب رنگ زرد و سفید ۲- سوره هفتادونهم قرآن - آهنگساز و رهبر بین المللی ارکستر ایرانی ۳- حالات چهره هنرپیشه - ابزارها - گلابی ۴- تباه کننده - اقیانوس کبیر - آدمکش ۵- قصد - از مشتقات آمونیاک - اقوام ایرانی ۶- راهنمایی کردن - مرکز پولیوروسی - همراه چای ۷- برشته شده - امواج بلند دریا که در اثر آتشفشان و زلزله ایجاد می شود ۸- عظمت - روز تابه ورزشی - درآمد نامشروع با امکانات دولتی - کله ۹- مهد - پرده داری خانه کعبه ۱۰- بت - شهری در جنوب آلمان - چشمه ۱۱- فرق سر - روزنامه چاپ پاریس - بالاپوش مردان قدیم ۱۲- محل - از ابزارهای جلا دهنده و اثر گذار در هنر نگارگری - هراس انگیز ۱۳- مروارید - شکوه و جلال - شهری در هلند ۱۴- رمانی به قلم جورج ایووت،

جدول اعداد ۴۸۵۱

ساده

Three crossword puzzle grids labeled 'سخت', 'متوسط', and 'ساده' with numerical starting points.